

Cultural relations between Iran and Kyrgyzstan

Mohammad ali Rabbabni¹

Tahererh Jahanparvar²

Abstract

Central Asia is one of the regions with the potential for regional convergence. The collapse of the Eastern superpower and the independence of the Central Asian states can be seen as a new era in the region that exposes them to the processes of globalization. In the meantime, Iran, given its historical ties and geographical and cultural affinity with the Central Asian republics, has a good opportunity to develop relations, especially political and economic relations with these countries, but what should be considered in this interaction more than before. The situation is with Iran's cultural relations with Central Asian countries, especially Kyrgyzstan. The Kyrgyz Republic has faced various challenges to nation-building since independence; In the meantime, it exacerbated challenges, high ethnic and racial diversity, and a lack of nationalization and state-building experience in the country; Of course, the legacy of the Soviet era in Kyrgyzstan, together with the influence of the policies, interests and goals of regional and supra-regional actors in the development of the country and the whole of Central Asia and the Caucasus, made it impossible for governments in the region to Overcome their problems for a certain period of time; Russia, Iran, Turkey, Saudi Arabia, China, the European Union, and the United States should be considered the most important players in Central Asia and, consequently, the Kyrgyz Republic in the post-independence years. From the conflict to the cooperation between the countries of Central Asia with the mentioned actors in different periods to be formed. The Islamic Republic of Iran has a key role in terms of culture, economy and even politics. And its history with Kyrgyzstan, as well as explaining the damage done to the two countries in this regard. The research findings are summarized in the fact that Iran's cultural relations in Kyrgyzstan have benefited from different results due to the different interactions between the two countries with the international system, the method and application of cultural strategies and the efficiency of responsible institutions in developing cultural relations

Keywords: Cultural Relations, Relations, Iran, Kyrgyzstan, Cultural Dialogue



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

¹Researcher of cultural studies of Islamic Culture and Communication Organization
rabbanimohammadali@yahoo.com

²PhD student in Cultural Sociology, Faculty of Social Science, Media and Communication, Islamic Azad University, Tehran Markazi
jparvar@yahoo.com

ایران و قرقیزستان در چشم انداز تعامل و گفت و گوی فرهنگی

محمدعلی ربانی^۲

طاہرہ جهان پرور^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

چکیده:

آسیای مرکزی یکی از مناطق دارای پتانسیل همگرایی منطقه‌ای است و فروپاشی ابرقدرت شرق و استقلال کشورهای آسیای مرکزی عصری نوین در این منطقه محسوب شده، این منطقه را در معرض فرایندهای جهانی شدن قرار داده است. در این میان، ایران با توجه به ارتباطات تاریخی و قرابت جغرافیایی و فرهنگی با جمهوری های آسیای مرکزی، فرصت مناسبی برای توسعه روابط بویژه روابط فرهنگی با این کشورها به دست آورده است. لذا آنچه که میبایست در این تعامل بیش از گذشته مد نظر قرار گیرد وضعیت مناسبات فرهنگی ایران با کشورهای آسیای مرکزی بویژه قرقیزستان است. هرچند جمهوری قرقیزستان بعد از استقلال با چالشهای مختلفی برای دولت - ملتسازی مواجه بوده؛ ولی منافع و اهداف بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در روند تحولات این کشور و در کل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز ترسیم چشم انداز گسترده‌ای از درگیری تا همکاری میان کشورهای آسیای مرکزی با بازیگران مهم منطقه‌ای و بین المللی در مقاطع مختلف را دشوار ساخت. پرسش اساسی این پژوهش این است که ضعف و قدرت جمهوری اسلامی و کشور قرقیزستان در روابط خود با استفاده از ابزار دیپلماسی فرهنگی چیست و گفت و گوی فرهنگی چه تاثیری بر توسعه گسترده روابط دو جانبه دارد؟ در این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با شیوه اسنادی ضمن تأکید بر ضرورت‌ها و کارکردهای گفت و گوی فرهنگی نخبگان ایران با کشورهای مختلف به ویژه قرقیزستان، با برشمردن فرصت‌های موجود جهت شکل‌گیری گفت و گویهای فرهنگی تلاش شده تا پس از بررسی شرایط فرهنگی حاکم بر دو کشور، به شناخت و بررسی اولویت‌ها، جهت‌گیری‌ها و نیز رویکردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با توجه به سوابق فرهنگی و تاریخی آن با قرقیزستان و همچنین تبیین آسیب‌هایی که در این زمینه متوجه دو کشور است. یافته‌های پژوهش در این نکته خلاصه میگردد که مناسبات فرهنگی ایران در قرقیزستان به دلیل نحوه تعامل متفاوت دو کشور با نظام بین‌الملل، شیوه و کاربست راهبردهای فرهنگی و نیز میزان کارآمدی نهادهای مسئول امر در امر توسعه روابط فرهنگی از نتایج متفاوتی بهره‌مند شده است.

واژگان کلیدی: روابط فرهنگی، مناسبات، ایران، قرقیزستان، گفت و گوی فرهنگی



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

۳. پژوهشگر مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

rabbanimohammadali@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
jparvar@yahoo.com

هر ملتی براساس تاریخ، فرهنگ، میراث فرهنگی، آداب و رسوم، ادبیات و فرهنگ عامیانه خود ارزیابی و مطالعه قرار می‌میشود. ایرانیان و قرقیزها به عنوان ملت‌های کهن همراه با تاریخ چندهزار ساله و میراث غنی فرهنگی می‌باشند و مراجعه به فرهنگ و ادبیات دو ملت بما یاد آور می‌شود که سهم میراث برجسته به عنوان میراث معنوی مشترک حایز اهمیت می‌باشد. اشتراکات فرهنگی اجتماعی دو ملت ایران و قرقیز به دوره باستان بر می‌گردد. بعد از کسب استقلال جمهوری قرقیزستان، از طرف سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های مطرح بین‌المللی، ۲۲۰۰ سالگی دولت قرقیزی برگزار شد. قدمت شهر اوش واقع در جنوب قرقیزستان از طرف یونسکو سه هزار ساله اعلام و کوه سلیمان اثر باستانی این شهر نیز در فهرست میراث فرهنگی یونسکو ثبت شده است. (کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک، ۱۳۷۹، ص ۹۶-۹۷)

علاوه بر اشتراکات و شباهت فرهنگی و ادبی قرقیزها و ایرانیان، مشترکات دینی آنها یادآور می‌شود که در قرن پنجم و ششم ایرانیان همراه با حضرت علی ع برای ترویج دین اسلام به مناطق آسیای مرکزی کنونی به منطقه باتکن شهر قدم جای آمدند. این مکان در مرکز استان در کنار شهر پولگان واقع شده است. پس می‌توان گفت که ایرانیان در پذیرش اسلام توسط قرقیزها سهم عمده‌ای بر عهده داشتند. پژوهشگران در برخی منابع نوشته‌اند که قرقیزها مجبور به پذیرش دین اسلام شدند. ولی در همایش علمی که در دانشگاه آرابایف برگزار شد، پروفیسور حسن ارموشف، دانشمند و تاریخ دان قرقیزی راجع به این تحریف تاریخی اظهار داشت: هیچگاه پذیرش اسلام برای قرقیزها اجباری نبوده و بر عکس اختیاری بوده است و این نظر را دانشمندان دیگر هم تایید می‌نمایند. در سال ۱۹۹۱ بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که ۷۰ سال سابقه حکومت داشت، ۱۵ کشور و از جمله قرقیزستان به استقلال دست یافتند و جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری بشمار می‌رفته است که استقلال جمهوری قرقیزستان را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۹۲ سفارت جمهوری اسلامی ایران در شهر بیشکک فعالیت خود را آغاز نمود و روابط و همکاریها و فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تجاری دوجانبه میان این دو کشور برقرار گردید. در سالهای اخیر دور جدید روابط دیپلماتیک کشورهای قرقیزستان و ایران آغاز شده است و هیأت‌های مختلف در سطوح مقامات و مسئولین جمهوری قرقیزستان به جمهوری اسلامی ایران سفر نموده‌اند. این ارتباطات دوجانبه نشان دهنده دوره جدیدی از همکاریها و ارتباطات جدید بین ایران و قرقیزستان بشمار می‌رود.

مبنای همکاری فرهنگی بین دو کشور سند موافقت نامه فرهنگی است که در سال ۱۳۷۲ برابر با ۱۹۹۳ به امضای دولت رسیده و از تصویب مجلس نیز گذشته است. از این رو میتوان گفت اراده ایران در رابطه با قرقیزستان بر توسعه همکاریهای دو جانبه در همه زمینههای فرهنگی، علمی و گسترش همکاریهای فیمابین در اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاریهای شانگهای و بسط همکاریها در سطح مجامع و سازمانهای بینالمللی شکل گرفته است. روابط فرهنگی دو کشور نیز از ابتدا تا کنون نیز شاهد روند رو به رشدی بوده است. هدف از طرح موضوع بررسی روابط فرهنگی گذشته دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قرقیزستان و نحوه بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود برای توسعه روابط فرهنگی مطلوب دو کشور در حال حاضر است. لذا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به شیوه اسنادی و توصیف و تحلیل پژوهش پیش رو انجام شده است.

چهار چوب نظری

سازمان‌نگاری: هر فرهنگ بر ایند ایفای نقش خاص دولتها در قبال یکدیگر است که در چهارچوب هنجارهای رفتاری معینی صورت میگیرد. به نظر ونت، فرهنگ‌ها بزی تا قرن هفدهم میلادی بر سیستم بین‌المللی حکمفرما بود و دولتها در قالب آن یکدیگر را دشمن تلقی میکردند. در این فرهنگ، «دیگری» خصمی تلقی میشود که یک دولت باید به هر شکل ممکن خود را در مقابل آن حفظ کند. طبیعی است که در این فرهنگ زور مادی، بدون محدودیت و کاربرد خشونت به معنای واقع‌گرایانه آن، سودمندترین وسیله برای دستیابی به بالاترین ارزش یعنی بقاست. به نظر ونت، متعاقب تحول و تکامل سیستم، شق دیگری از آنارشی تکوین یافته که شاخصه نظام بین‌الملل مدرن از پیمان و ستفالی به بعد است. ونت این صورتبندی را آنارشی لاکمی مینامد که بر اساس آن تلقی دولتها از یکدیگر به مثابه رقیب است. گرچه زور و خشونت در اینجا نیز برای تقویت منافع کاربرد دارد، اما به نظر ونت دولتها در فرهنگ آنارشی لاکمی از حذف یکدیگر خودداری میکنند. ونت صورت سوم آنارشی و الگوی تعامل دولتها را آنارشی کانتی میداند که به نظر وی اخیراً در روابط دولتهای دموکراتیک حاکم شده است. در این فرهنگ، دولتها به عنوان دوست در قبال یکدیگر عمل میکنند و از زور برای پیشبرد اهداف فردی خود استفاده نمیکنند، بلکه به‌مثابه یک مجموعه یا تیم در مقابل تهدیدات امنیتی ظاهر میشوند (ونت، ۱۹۹۹: ۲۷۰-۲۶۰). به نظر ونت، هنجارها در هر فرهنگ در سطح خاصی بین همگان مشترک هستند و در سه سطح یا درجه درونی شده‌اند: در سطح اول، که با مفروضات واقع‌گرایی نیز سازگار است، دنباله‌روی از هنجارها بر ایند اعمال زور و قدرت هژمون است؛ در سطح دوم و متناسب



با مبانی نولیبرالها، تعهد به هنجارها ناشی از مشروعیت و منافع حاصل از آنهاست؛ و در سطح سوم، که رویکرد سازه‌انگاره را به نمایش می‌گذارد، هنجارها اساساً شکل‌دهنده منافع و هویت بازیگران هستند. از نظر ونت، بالاترین درجه همکاری نیز در سطح اخیر از درون‌سازی هنجارها در میان دولتها اتفاق می‌افتد که مختص حاکم شدن فرهنگ آنارشی کانتی در سیستم بین‌المللی است. لذا پاسخ به این پرسش که چرا دولتها به شکل تضادآمیز و یا احیاناً همکاری‌جویانه در قبال یکدیگر رفتار میکنند و یکدیگر را دشمن، رقیب، یا دوست تلقی میکنند؟ نیز برگرفته از کردارهای اجتماعی است که به واسطه آن به تعریف خود و دیگری می‌پردازند.

روابط فرهنگی: بارنو، مرزهای فرهنگی و نیز رویکرد درونی را از ممیزات ارتباطات میان فرهنگی برشمرده است. فرآیند ارتباطات در طول مرزهای فرهنگی با قبول این تصور که فرهنگ بیان یک کلیت وحدت‌آفرین است و بهترین راه فهم آن نیز نگرستن از منظر خود کنشگران می باشد قابل درک خواهد بود (بارنو، ۱۹۸۹: ۳۳۰) کاسمیر، ارتباطات میان فرهنگی را زمانی صادق میدانند که انسان‌ها از فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر در تعامل بوده و به کنش متقابل می‌پردازند و سعی در حل مسائل خود از طریق روابط درونی می‌نمایند (کاسمیر، ۱۹۸۹: ۲۷۸) سامووار، نیز در هنگام تعریف بر دو عامل نژاد و قومیت تکیه می‌کند و بر این باور است که ارتباط میان فرهنگی بین مردمی شکل می‌گیرد که ادراکات فرهنگی و سیستم‌های نمادینشان به اندازه کافی متمایز هستند تا رویداد ارتباطی را تغییر دهند و این زمانی رخ میدهد که منبع و دریافت‌کننده پیام از نژاد یا قومیت متفاوتی باشد (سامووار، ۱۳۷۹: ۱۰۴)



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

مناسبات فرهنگی: مناسبات فرهنگی و تاریخی ایران با آسیای مرکزی، ریشه در ادوار گذشته تاریخی دارد. آداب و رسوم مشترک، دین مشترک، مرزهای مشترک جغرافیایی و زبان مشترک، با کشورهای آسیای مرکزی را می‌توان از مؤلفه‌های اصلی همگرایی و مناسبات فرهنگی ایران در دوره‌های تاریخی قلمداد نمود. هرچند ممکن است جدایی مرزها، مسائل بین‌المللی، نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های جهانی که از جمله آن کمونیست بشمار می‌آید، برای مدت زمانی چرخه این مناسبات را کندساخته است اما باگذشت زمان، و در پی فروپاشی دولت شوروی و مستقل شدن کشورهای آسیای مرکزی مناسبات ایران و کشورهای آسیای مرکزی روبه پیشرفت شایانی نهاد (حسن نیا و همکار، ۱۳۹۸: ۱۱۲-۱۱۱).

ارتباطات میان فرهنگی: چگونگی نقش ارتباطات میان فرهنگی

در «تنش‌زدایی از پایین» از طریق ایجاد و افزایش شناخت ملت‌ها از یکدیگر و رفع سوءبرداشت‌ها و سوءتفاهم‌ها صورت می‌گیرد یعنی ارتباطات میان فرهنگی زمینه را برای آشنایی و شناخت مردم دو کشور از تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم، اهداف و نیات یکدیگر فراهم کرده و مانع از شکل‌گیری سوءتفاهم میان آنها می‌گردد، یا سوءتفاهماتی که در گذشته شکل گرفته را رفع می‌نماید (ریوز، ۱۳۸۷، ۶۰-۵۳) فیلیپسن (۱۹۸۱) که شالوده مطالعه ارتباطات فرهنگی را پی ریزی کرده است اینگونه استدلال میکند که کارکرد ارتباطات در ارتباطات فرهنگی عبارت است از حفظ موازنه سالم بین نیروهای فردگرای و اجتماع و ایجاد احساس هویت مشترک که حافظ منزلت، آزادی و خلاقیت فردی است. این کارکرد از طریق حفظ موازنه یا تعادل بین دو فرآیند فرعی ارتباطات فرهنگی یعنی آفرینش، و تایید هویت مشترک انجام میپذیرد (ریوز، ۱۳۸۷، ۵).

پیشینه پژوهش

مقاله جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز از علی اکبر جعفری و محمد براریان از دانشگاه مازندران (۱۳۹۸) به تبیین استراتژی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشورها و نیز بررسی نقش عوامل تأثیرگذار حاکم بر مناسبات میان کشورها پرداخته است. در این پژوهش تلاش شده تا پس از بررسی شرایط فرهنگی حاکم بر این کشورها، به شناخت و بررسی اولویت‌ها، سیاست‌ها و نیز رویکردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با توجه به سوابق فرهنگی و تاریخی آن با واحدهای نوپدید در این منطقه و همچنین تبیین آسیب‌هایی که در این زمینه متوجه ایران هست پردازد. یافته‌های پژوهش در این نکته خلاصه می‌گردد که عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل نحوه تعامل متفاوت دو کشور با نظامات بین‌المللی و منطقه‌ای، شیوه و کاربست راهبردهای فرهنگی و نیز میزان کارآمدی نهادهای مسئول در امر دیپلماسی فرهنگی از نتایج متفاوتی برخوردار می‌باشد.

مقاله دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصتها و چالشها - از عارف بیژن از دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۹۶) نیز به تبیین استراتژی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشورها و نیز بررسی نقش عوامل تأثیرگذار حاکم بر مناسبات فرهنگی دو کشور پرداخته است. این پژوهش یادآور می‌شود که فرهنگ از لحاظ تأثیر وثیق آن بر حیات سیاسی اجتماعی ملت‌ها از جایگاه ویژه‌ای بهره‌مند می‌باشد. در این میان جمهوری اسلامی ایران و مناطق آسیای مرکزی و قفقاز که دارای



میراث فرهنگی و تمدنی مشترکی بسیاری هستند، از بیشترین امکاناتو ظرفیت های لازم برای برقرار یو توسعه روابط فرهنگی برخوردار هستند. سوالی که مطرح است اینکه، رویکرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به چه صورت است و در این راستا چه فرصت‌ها، چالش‌ها و آسیب‌هایی پیش روی سیاست خارجی ایران وجود دارد؟ آنچه محتمل است اینکه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز بین سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷، با وجود برخی اقدامات مثبت در توسعه مبادلات فرهنگی در این منطقه، به دلیل شرایط امنیتی - حاکم بر منطقه و همچنین دیگر عوامل، عملکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران علیرغم پتانسیل بالای فرهنگی که در این منطقه وجود دارد، با موفقیت زیادی همراه نبوده و چالشهای گوناگونی را متحمل شده است.

مقاله از برخورد تمدن ها به سوی گفتگوی فرهنگ ها و تمدن ها از آداس تکتوسون آوا از دانشگاه شرقی محمود کاشغری، قرقیزستان (۱۳۹۶) با اشاره به برخوردهای قومیتی و دینی، دین هراسی، افراط گرایی، تروریسم، بحران‌های انسانی و بلایای زیست محیطی و غیرهرا عمده چالش‌های انسان عصربرمی شمرد که مقابله با آن مستلزم گفتگوی سازنده و تشریک مساعی کلیه دولت ها و مجامع بین المللی می‌باشد. آغاز قرن بیست و یکمبا ادامه سیاست همگرایی تشکل‌های ژئوپلیتیک، قومیتی، اقتصادی و غیره جهان همراه بوده است. در شرایط ناشی از سیاست‌های تک بعدی سلطه‌جویانه آمریکا و تلاش این دولت برای تحمیل اراده خود بر دیگر کشورهای جهان وضعیت پیچیده و پرتنش در منطقه آسیای مرکزی و ایران ایجادگردیده است. لذا ضروری است نسبت به تدوین استراتژی قاره ای اوراسیایی در کنار همگرایی اقتصادی، فرهنگی، تمدنی و نهایتاً سیاسی نظامی اقدام مناسب بعمل آید. در این پژوهش جواب و مقابله با سیاست های سلطه جویانه غرب را گسترش متقارن افکار، ایده‌ها، فرهنگ و ارزش‌های مشترک شرقی می داند که می تواند نه تنها قدرت تاثیر گذاری و نفوذ فرهنگی ایران را درمنطقه احیا کند بلکه ابزار اصلی جهت ارتباطات شرقی بر مبنای گفتگو و تعامل در قرن 20 شود. از موضوعات مهم دیگر برقراری گفتگو و تعاملات در زمینه همکاری‌های بین المللی است. جهان اسلام باید به سطح مطلوبی از تکنولوژی رسیده و تبادلات فرهنگی، گردشگری، علمی، فناوری، آموزشی، میان خود را با هدف گسترش ارزش‌های دموکراتیک ورشد و توسعه تقویت نمایند تا مسلمانان را از توان بالاتری در گفتگو در برابر با غرب برخوردار نماید.

در مقاله سید هادی زرقانی، ابراهیم احمدی و مرتضی فیروزی از دانشگاه فردوسی مشهد(۱۳۹۶) دیپلماسی فرهنگی به عنوان حلقه گم شده



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

روابط همگرای ایران آسیای مرکزی اشاره شده که کشورها برای دست یابی به مقاصدشان، عمدتاً و به طور سنتی نوعی دیپلماسی مبتنی بر رویکردها و ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی را در پیش می گیرند؛ با این همه در سالهای پایانی قرن بیستم، رویکرد نسبتاً جدیدی در دیپلماسی، تحت عنوان «دیپلماسی فرهنگی» مطرح شد که توجه افزون تر و تاکید بیشتر بر راهکارها و ابزارهای فرهنگی را به مسئولان و طراحان سیاست خارجی توصیه می نموده است. هدف این رویکرد، ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی (ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات و...) (از ارزش‌های یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از یکدیگر جهت دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل یعنی دیپلماسی فرهنگی) «میان ملت‌ها و کشورهاست. فرض این مقاله بر این است؛ از آنجایی که جمهوری‌های آسیای مرکزی (وبه طور خاص جمهوری ازبکستان) امتداد و عقبه‌های تمدنی و فرهنگی ایران‌بشمار می روند، ایران می‌تواند با استفاده از این ظرفیت فرهنگی غنی، ضمن خنثی کردن زمینه‌های تهدید، روابط همگرا و روبه رشدی را با این جمهوری‌ها پی گیری نماید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در روابط و تعاملات فرهنگی ایران و ازبکستان برخی مولفه‌های فرهنگی تمدنی، همچون اسلام به عنوان دین مشترک، زبان فارسی، مفاخر مشترک نظیر - امیرعلی شیر نوایی و حضور فرهنگ ایرانی در ازبکستان، جذابیت‌های میراث تمدنی، تاریخی و طبیعی و... وجود دارد که می‌تواند موجب تقویت روابط دو کشور گردد.

در مقاله بازتاب فرهنگ مردم آسیای مرکزی در تعدادی از متون کهن فارسی و اهمیت آن‌ها در دیپلماسی فرهنگی از مریم سیدان و عباس ملکی (۱۳۹۶) از دانشگاه صنعتی شریف با اشاره به اینکه آسیای مرکزی برای برخی دولت‌های جهان به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و انرژی اهمیت دارد، یادآور می‌شود این منطقه برای ایران، علاوه بر ابعاد سیاسی و اقتصادی، به دلیل پیشینه فرهنگی نیز مهم‌حائز اهمیت است. چرا که این سرزمین‌ها بخشی از حوزه فرهنگی و تمدنی ایران کهن به شمار می‌رفته و اشتراکات فرهنگی بسیاری با یکدیگر دارند. در بعضی متون کهن فارسی، به ویژه آن دسته که در منطقه خراسان قدیم نگاشته شده‌اند، فرهنگ مردم ماوراءالنهر مثل بخارا و سمرقند و سایر شهرهایی که امروز جزو آسیای مرکزی قرار گرفته‌اند، در آن بازتاب یافته است. زبان، دین، مشاغل، هنرها، جشن‌ها، سرودخوانی و... از آن جمله فرهنگ‌هایی است که دارای ریشه‌های مشترک با ایران است. نکته دیگر اینکه؛ برای تعامل با جهان خارج راه‌های مختلفی وجود دارد که دیپلماسی فرهنگی یکی از آن‌ها بشمار می‌رود..

در مقاله جمهوری اسلامی ایران و ضرورت بهره گیری از مؤلفه‌های فرهنگی مشترک در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جهت مقابله با تهدیدات آمریکا، نوشته مجید عباس زاده مرزبالی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۹۶) به بررسی وضعیت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز که در همسایگی شمال ایران قرار دارند پرداخته است. در مقاله با اشاره به اهمیت این منطقه یادآور می‌شود آسیای مرکزی و قفقاز، منطقه‌ای حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و کشورهای آن، از جایگاه ویژه‌ای برای ایران برخوردار می‌باشند. چرا که این منطقه از دیرباز در حوزه تمدن ایرانی قرار داشته و همواره از آثار این تمدن تاثیر می‌پذیرفته است. در طی گذشت دو دهه استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز این منطقه همچنان مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییرات ژئوپلیتیک رخ داده در این منطقه به همراه موقعیت استثنایی و استراتژیک، منابع غنی انرژی، و ... زمینه مساعدی را برای حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم آورده است. بخش مهمی از شکل‌گیری و تداوم بازی بزرگ در آسیای مرکزی و قفقاز را باید نتیجه حضور آمریکا برشمرد. این کشور فروپاشی شوروی را فرصت مغتنمی برای حضور خود در این ناحیه دانسته و از آن زمان، نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را در آن جا گسترش داده است. از جمله مهم‌ترین اهداف استراتژیک آمریکا در این منطقه را می‌توان تسلط بر منابع انرژی، تنگ کردن فضا برای روسیه و چین، و محروم کردن ایران از منافع منطقه‌ای و محدود ساختن آن، دانست. اما نکته مهم این است که حضور آمریکا در منطقه مذکور، تهدید جدی برای امنیت ایران و تحول هشداردهنده‌ای از نظر این کشور در خصوص تکمیل ضلع شمالی حلقه محاصره پیرامونی و محصور شدن در حلقه متحدین و دولت‌های وابسته به آمریکا می‌باشد. هرچند در برابر سیاست‌ها و تهدیدهای آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، تاکنون اقداماتی از سوی ایران صورت گرفته است، اما این اقدامات کافی نبوده و از این رو نیاز به اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای مناسب‌تر و کارآمدتر در عرصه‌های مختلف منطقه از جمله در حوزه فرهنگی می‌باشد. ضروری است که در راهبرد سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، به مسئله دیپلماسی فرهنگی توجه بیشتری صورت گیرد.

علی کریمی از دانشگاه مازندران در مقاله حافظه تاریخی، امکانی بنیانی برای گفتگوهای فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز (۱۳۹۶) با الهام از ایده و چارچوب نظری قدرت نرم و با اتکا به شواهد و مستندات تاریخی، بر متغیر حافظه تاریخی به عنوان یکی از پایه‌های همکاری در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تاکید دارد و این ایده را دنبال می‌کند که

حافظه تاریخی جمعی به عنوان میراث مشترک منطقه ای که محصول سرنوشت دامنهدراز و تاریخی مردم منطقه است به منزله یک عنصر قدرت نرم در کنار سایر مؤلفه‌های قدرت نرم در مناسبات ملل و دولت‌های منطقه این امکان را دارد تا عامل پیوستگی و همکاری بازیگران منطقه‌ای محسوب شود. این امکان امری تصادفی نیست بلکه اقتضایی است و فعلیت آن که همان ایجاد تعامل بین گذشته و حال است، فرایندی که محصول عاملیت یا کارگزاری و کنشگری بازیگران منطقه‌ای است و بر این نکته راهبردی دلالت دارد که کاربست عنصر حافظه تاریخی به مثابه قدرت نرم در مناسبات منطقه‌ای مستلزم نهادسازی‌های گفتگو محور بر مبنای ژئوکالچر خواهد بود.

با بررسی پژوهش‌های انجام شده و در خصوص پیشنهاد‌های ارائه شده جهت نحوه اقدام دولت ایران در منطقه که با تاکید بر آسیای مرکزی و قفقاز بطور کلی است نتیجه می‌گیریم که اغلب تحقیقات بطور کلی بر پیشینه فرهنگی ایران در منطقه تاکید مکرر داشته و یا به معرفی ابزارها و روش‌های گوناگون مظاهر فرهنگی یا رفتارهای سیاسی - فرهنگی همچون زبان و ادبیات فارسی، دین و مفاخر فرهنگی یا بعضاً زبان مشترک؛ ارتقاء سطح تکنولوژی و ابزارهای فناوری؛ دیپلماسی مجازی؛ نقش پررنگ آمریکا در برخی از کشورهای منطقه و شرایط امنیتی منطقه با هدف پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه تاکید دارند. این پژوهش‌ها در بررسی‌های خود به شیوه تعامل ایران با هر کشور منطقه بطور خاص پرداخته نشده و در خصوص راهکارهای ایجاد زمینه لازم برای ترغیب کشورهای منطقه به برقراری ارتباط فرهنگی با ایران نیز ایده‌های مناسبی ارائه نشده است. در این مقاله بطور خاص به معرفی ظرفیتهای فرهنگی کشور قرقیزستان و زمینه همکاری‌های فرهنگی متناسب در هر دو کشور پرداخته می‌شود.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

جایگاه و اهمیت قرقیزستان در روابط فرهنگی با ایران

در مطالعه و بررسی زمینه‌های قرابت، دوستی و ارتباطات منطقه‌ای، گذشته از همه اشتراکات و پیوستگی‌های دینی، تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی ایرانی‌ها و ساکنان آسیای میانه بویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زبان فارسی را می‌بایستی یکی از مهمترین محورهای همگرایی و وحدت فرهنگی ایران و آسیای مرکزی برشمرد. در جمهوری قرقیزستان نیز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تلاش‌هایی به منظور احیا مجدد این زبان از جانب علاقمندان در این جمهوری به عمل آمد که از جمله آنها می‌توان به تأسیس کرسی زبان فارسی در سال ۱۹۹۲ در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه علوم انسانی بیشکک اشاره نمود که کار خود را با پذیرش ۹۷ دانشجو شروع کرد.

در حال حاضر تعداد دانشجویان زبان فارسی در این دانشکده به حدود ۳۵ نفر می‌رسد. که در مقاطع سالهای اول تا چهارم مشغول به تحصیل می‌باشند. مرکز دیگری نیز که به امر تعلیم و ترویج زبان فارسی در قرقیزستان اشتغال دارد، دانشکده شرق شناسی دانشگاه ملی قرقیزستان می باشد که در سال ۱۹۹۵ با پذیرش ۸ نفر دانشجوی دختر فعالیت خود را شروع نموده است. در ضمن لابراتوار زبان فارسی این دانشگاه در روز ۷۵/۲/۱۹ در محل این دانشکده با حضور اعضای سفارت و نماینده فرهنگی کشورمان در آلماتی افتتاح شد. (معظمی گودرزی، ۱۳۷۷: ۱۶۰-۱۵۹) پس از گذشت نزدیک به سه دهه از برقراری ارتباطات و مناسبات ایران با قرقیزستان، امروز می‌توان ارزیابی دقیق تری از سطح روابط فرهنگی بین دو کشور حداقل در طول یک دهه اخیر ارائه کرد. اولین ارزیابی و نکته قابل ذکر در این زمینه را می‌بایستی ناشی از اراده جدی مسئولان عالی‌رتبه دو کشور برای بسط و توسعه روابط در حوزه‌های مختلف فرهنگی برشمرد که بر برگزاری هفته‌های فرهنگی و فیلم، تبادل هیأت‌های فرهنگی هنری، برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها، شرکت در جشنواره‌های فرهنگی و هنری و نمایشگاه‌های کتاب، ترجمه و نشر، برگزاری همایش‌های مشترک و همکاری بین دانشگاه‌های دو کشور تاکید داشته اند.

دومین گام اساسی نیز که شالوده اصلی روابط فرهنگی دو کشور بشمار می رود همانا عبارت است از تنظیم و امضای موافقتنامه فرهنگی بین دو کشور. همچنین امضاء یادداشت تفاهم‌نامه‌هایی میان بخش‌های ذیربط فرهنگی دو کشور بر اساس موافقتنامه فوق تنظیم و امضا شده است. در راستای اجرای مفاد تفاهم‌نامه‌های امضا شده؛ اتاق‌های ایران و زبان فارسی در برخی دانشگاه‌ها و مدارس قرقیزستان راه اندازی شده و یا اتاق‌های موجود مورد حمایت قرار گرفته‌اند، زبان و ادبیات فارسی از محوری ترین فعالیت‌های فرهنگی ایران در قرقیزستان بشمار می‌رود، لذا این حوزه هر ساله مورد توجه بیشتر نمایندگی فرهنگی بوده و همواره برای گسترش زبان فارسی و ایجاد گروه‌های آموزش زبان فارسی در مدارس و دانشگاه‌های این کشور تلاش می‌شود. همکاری‌های خوبی نیز بین دانشگاه‌های قرقیزستان با برخی دانشگاه‌های ایران برقرار شده و زمینه‌های بیشتری برای همکاری‌ها در این حوزه وجود دارد. و تلاش می‌گردد پُل واسطی برای لینک و اتصال مراکز علمی دانشگاهی دو کشور بشمار آید. همچنین، انتظار می‌رود هر دو طرف در اجرایی کردن مفاد توافقات و یادداشت تفاهم‌ها جدیت بیشتری داشته باشند. (قاسمی، ۱۳۹۸)

قرقیزستان و روابط فرهنگی این کشور در قبال جمهوری

اسلامی ایران

جمهوری قرقیزستان پس از استقلال با چالشهای مختلفی بویژه برای دولت - ملتسازی مواجه بوده؛ در این بین، آن جه باعث تشدید چالشها شد، تنوع زیاد قومی و نژادی و نیز فقدان تجربه ملتسازی و دولتسازی در این کشور بوده است؛ البته میراث دوران اتحاد جماهیر شوروی در قرقیزستان همراه با تاثیرگذاری سیاستها، منافع و اهداف بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در روند تحولات این کشور و در کل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز کواجه بوده و این امر موجب گردید، حکومت‌های این منطقه، نتوانند در یک دوره مشخص بر مشکلات خود فائق آیند. روسیه، ایران، ترکیه، عربستان، چین، اتحادیه اروپا و آمریکا را باید مهمترین بازیگران منطقه آسیای مرکزی و بالتبع جمهوری قرقیزستان در سالهای بعد از استقلال برشمرد که نحوه تعامل و یا تقابل بین آنها، موجب شده تا چشمانداز گسترده‌ای از درگیری تا همکاری میان کشورهای آسیای مرکزی با بازیگران یاد شده در مقاطع مختلف شکل گیرد.

در میان این بازیگران، جمهوری اسلامی ایران دارای نقشی کلیدی از نظر فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی می باشد؛ نقطه تمرکز تعامل سازنده ایران با قرقیزستان دارای ماهیت اقتصادی است. گسترش همکاری‌های تجاری، سرمایه گذاری در بخش صنعت و افزایش ظرفیت اقتصادی قرقیزستان منجر به ایجاد شرایطی می‌گردد که به موجب آن جمهوری اسلامی ایران میتواند به حداکثر مطلوبیت‌های استراتژیک مورد نظر خود نایل گردد. این امر بنیان‌های لازم برای توسعه روابط و تأثیرگذاری مرحله‌ای را فراهم می سازد. (منوچهر محمدی، ۱۳۸۵: ۳۷-۳۵)

۱۲
شماره اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

ساختار فرهنگی قرقیزستان متشکل از مراکز و نهادهای فرهنگی دولتی همچون وزارت فرهنگ و گردشگری است که در حوزه حفظ میراث تاریخی، فرهنگی و معنوی و توسعه‌ی هنر و فرهنگ ملی قرقیزستان و تأمین دسترسی مردم به پیشرفتهای فرهنگی، هنری و علمی در قالب ایجاد آکادمی ملی هنر، موسسه فیلم قرقیز کینو و موسسه فیلم دولت پرداخته است. جمهوری قرقیزستان را می‌بایستی کشور سازمانهای غیردولتی نامید، زیرا اکنون در قرقیزستان بنا بر برخی آمار بالغ بر ۵ هزار سازمان غیردولتی با کارکردها، برنامه‌ها و اسامی مختلف فعالیت می‌کنند. اما اکثر قریب به اتفاق این سازمان‌ها تحت پوشش اقدامات بشر دوستانه فعالیت می‌نمایند هرچند در واقع اهداف و مقاصد سیاسی را با حمایت‌های مالی کشورهای خارجی دنبال می‌نمایند. در این خصوص تعدادی از سازمانهای غیردولتی در عرصه دفاع از حقوق زنان میباشند و تعدادی هم در مقام دفاع از حقوق شهروندی فعال

هستند. تعدادی نیز قصد دارند نقشی فعال تر و مستقیم در عرصه سیاست بر عهده گیرند. این در حالی است که اکثر این سازمانها یک وجه مشترک دارند و آن عبارت است از تأمین منابع مالی و تدارکاتی این گروهها از سوی بنیادها و نهادهای کشورهای خارجی به ویژه غربی. بیش از ۵۰۰ رسانه اعم از تصویری و انتشاری در وزارت دادگستری قرقیزستان به ثبت رسیده است. ۸ آژانس خبری در قرقیزستان فعالیت می نمایند که عبارتند از آژانس دولتی خبر، آژانس آکی پرس، آژانس قرقیز پرس، آژانس اینفو بیشکک، آژانس خوش خبر، و تعداد دیگر. تعدادی روزنامه به زبانهای قرقیزی و روسی منتشر میشود که مشهورترین آنها عبارتند از روزنامه ویچرنی بیشکک، روزنامه اسلاوا قرقیزستان، روزنامه مایا استالیتسا مخالف، روزنامه قرقیز توسو قرقیزی، روزنامه ارکین تو قرقیزی، روزنامه آگم و... مجلات معروف این کشور شامل مجله تحلیلی پروفی، مریم، آکی پرس، بازار سرمایه، اخبار تجارت، ادبیات قرقیزستان و چالکان است. امواج رادیوی داخلی و خارجی قرقیزستان رادیو پرامیدا، اروپا پلوس، رادیو روسیه، رادیو اباندورو قرقیزستان، آتو رادیو، رادیو آلماز، رادیو اوکی، رادیو کو بیشککا، رادیو میر، رادیو ماناس و چند رادیوی استانی؛ و رادیو آزادی، رادیو بی بی سی و رادیو آمریکا قرقیزی از فعال ترین رادیوهای خارجی محسوب می گردند. در قرقیزستان ۵ شبکه محلی فعال می باشد و علاوه بر آن یک شبکه کابلی بنام آلا تی وی نیز وجود دارد که ۶۰ شبکه تلویزیونی را (عمدتاً روسی زبان) البته کانالهای عربی زبان، چینی، ترکی، انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی نیز در آن وجود دارد) با هزینه ماهیانه حدود ۱۰ دلار به مکانهای مورد درخواست منتقل می کنند. حدود ۸ شبکه رادیویی نیز در قرقیزستان وجود دارد. برخی شبکه های رادیویی و تلویزیونی آلماز (رادیو)، ماکس (رادیو)، پیرامید (رادیو/تلویزیون)، NBT (ان.ب.ت تلویزیون)، کوورت (تلویزیون)، آسیاسنتر (رادیو)، رادیو اروپا، هیت اف ام (رادیو)، اوکی رادیو، ماناس (رادیو) وابسته به دانشگاه ترکی ماناس)، آتو رادیو، رادیوشانسون، رادیو رترو، میر (رادیو/تلویزیون). به علت سلطه طولانی فرهنگ روس بر مطبوعات قرقیزستان، این رسانه های گروهی هنوز شدیداً تحت تاثیر آن فرهنگ قرار دارند. نخستین روزنامه قرقیز زبان این جمهوری «کوهستان آزاد» نام داشت که در سال ۱۹۲۴ در تاشکند منتشر می شد. روزنامه قرقیز روخو به معنی «روح مردم قرقیز» در ۱۹۹۱ فعالیت خود را آغاز کرده است. یکی از فعالتهای جالب توجه این روزنامه، ترجمه قرآن به زبان قرقیزی و همچنین انتشار زندگینامه حضرت محمد (ص) در این روزنامه است.

هنرهای سنتی و مدرن رایج این کشور شامل نقاشی روی چرم، نقاشی روی ساقه نی، کلاه بافی قرقیزی، نمدملی، گلیم بافی و مجسمه سازی

می باشد. قبل از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی ساختار آموزشی به طور تمام وکمال تابع سیستم آموزش و پرورش دولتی مرکزی بود بعد از استقلال حرکت به سمت اصلاحات بر اساس نیاز و ضرورت شهروندان آغاز گردیده و تاکنون محوریت را بر اساس تشکیل کلاس های آموزشی به زبان و فرهنگ قرقیزی قرار داده است. طبق قانون اساسی این کشور، تحصیل تا کلاس نهم اجباری و رایگان می باشد. شایان ذکر است وزارت آموزش و پرورش قرقیزستان در سال ۱۹۹۲ تاسیس گردید و تا کنون چند زبان خارجی از جمله انگلیسی، آلمانی و فرانسه را در داخل دروس گنجانده است. تعداد دانش آموزان در ۲۰۰۰ مدرسه نیز بالغ بر ۱/۲۰۰ میلیون نفر می باشد و درصد بی سوادی تقریباً صفر است.

نهادهای دولتی متولی امر آموزش عبارت از وزارت آموزش و پرورش برای دوره تحصیلی قبل از دانشگاه و وزارت علوم و آکادمی علوم دو نهاد متولی امور تحصیلات عالی هستند. آموزش عالی در دانشگاه های قرقیزستان به سطوح مختلف تقسیم شده و به مدت پنج سال متوالی ادامه می یابد. پس از پایان موفقیت آمیز تحصیل در سطوح پایه و کامل آموزش عالی در دانشگاهها، دانش جویان با مدارک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب فارغ التحصیل می گردند.

از بیش از ۲۰ کشور جهان دانشجو در دانشگاههای این کشور مشغول به تحصیل می باشند که عمده ترین دانشجویان خارجی در دانشگاههای قرقیزستان شامل دانشجویانی از کشورهای پاکستان، ترکیه، قزاقستان، تاجیکستان، هند و .. میباشند.

جمهوری قرقیزستان دارای ۳۲ دانشگاه دولتی و ۲۰ دانشگاه غیر دولتی است که مجموعاً در حدود ۲۰۰ هزار دانشجو در آنها مشغول به تحصیل می باشند.

در این کشور دانشگاه اسلامی قرقیزستان به ریاست عبدالشکور نارماتاف مشغول به فعالیت می باشد که معتبرترین دانشگاه در این زمینه است. شایان ذکر است این دانشگاه تحت نظارت اداره مفتیات اداره می شود. این دانشگاه در رشته های حقوق، زبان و علوم اسلامی دارای کرسی بوده و دارای ۳۰۰ دانشجو و ۳۴ استاد می باشد. شایان ذکر است حوزه های علمیه دیگری نیز به صورت خصوصی مشغول به فعالیت می باشند.

روابط جمهوری اسلامی ایران و قرقیزستان طی سالهای گذشته بر پایه دوستی و احترام متقابل شکل گرفته و اراده مسئولان دو کشور نیز



برگسترش روابط فی مابین استوار بوده است. پس از فروپاشی شوروی سابق، نخستین ارتباط قرقیزستان با جمهوری اسلامی ایران سفر وزیر امور خارجه آن کشور به ایران در سال ۱۳۷۰ ه. ش به مناسبت سالگرد رحلت امام خمینی (ره) بود. در ۱۳۷۱/۲/۲۰ موافقت نامه برقراری روابط بین دو کشور به امضا معاونین وزارت خارجه دو طرف رسید. در مهرماه همان سال سفارت جمهوری ایران در بیشکک (پایتخت قرقیزستان) فعالیت خود را آغاز نمود. سفر عسگرآقایف (رئیس جمهور اسبق قرقیزستان) در اواخر خرداد ماه ۷۲ به ایران نقطه عطف و سرفصل جدیدی در روابط سیاسی دو کشور بشمار می رود که از دستاوردهای آن امضا ۷ سند در زمینه های مختلف اقتصادی و سیاسی می باشد.

حمایت قرقیزستان از موضع ایران در خصوص حقوق بشر در سازمان ملل متحد نمونه دیگر از همکاری های دو کشور می باشد. اراده جدی جمهوری اسلامی ایران در برقراری رابطه با قرقیزستان، مبتنی بر توسعه همکاری های دوجانبه در زمینه های سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، علمی و همچنین گسترش همکاری های فی مابین در اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاری های شانگهای و بسط همکاریها در سطح مجامع و سازمان های بین المللی بوده است. (رواق الحجاج، ۱۳۹۳: ۴۷-۳۴)

آلتین بیک مقصدوف، وزیر فرهنگ، گردشگری و اطلاع رسانی قرقیزستان ضمن تمجید از پیشرفتهای ایران در عرصه علمی و فرهنگی از جمله در بخش فیلم و سینما اظهار داشت کشورش نیازمند و علاقه مند به همکاری با ایران در این زمینه ها است.

قرقیزستان در مقام مقایسه با کشورهای منطقه از سطح دموکراسی و تعامل بیشتری برخوردار می باشد. همین امر سبب شده که کشورهای مختلفی علاقه مند به گسترش همکاری به ویژه در زمینه آموزش عالی با قرقیزستان باشند. به گونه ای که کشورهای چین، ترکیه، آمریکا، روسیه، آلمان، کویت و ... در قرقیزستان دانشگاه داشته و این کشور فضای لازم را به آنها به طور رایگان اختصاص داده است.

قرقیزستان در صورت آمادگی نهادهای ایرانی؛ از جمله وزارت علوم، کتابخانه ملی، وزارت فرهنگ، سازمان میراث فرهنگی، صدا و سیما علاقه مند به توسعه روابط با آنها می باشد. این در حالی است این استقبال از طرف جمهوری اسلامی ایران خیلی جدی گرفته نمی شود. به عنوان نمونه در سال های اخیر تعدادی از کارشناسان کتابخانه ملی قرقیزستان با سفر به جمهوری اسلامی از امکانات کتابخانه ملی آگاهی یافتند و علاقه مند شدند که

این دیدارها تداوم داشته باشد. همچنین، با وجود زمینه‌های مناسب جهت توسعه همکاری‌های گردشگری، در سال‌های اخیر هیچ مقام سازمان میراث فرهنگی و گردشگری از این کشور بازدیدی بعمل نیاورده است.

خبرگزاری فارس تنها سازمان مردم‌نهادی است که در بیشکک مستقر می‌باشد و دولت قرقیزستان نیز از فعالیت آن ابراز رضایت کرده است. (علی حکیم پور، ۱۳۹۷: ۱۹۱۷۸۸۶)

به‌رغم سابقه و پیشینه مشترک تاریخی و فرهنگی غنی میان ایران و آسیای مرکزی، چالش‌های عمده‌ای بر سر راه ارتباطات فرهنگی میان دو طرف وجود داشته است. آسیای مرکزی که در محل تقاطع فرهنگی میان شرق و غرب واقع شده و با فرهنگ ترکی و اسلامی پیوند خورده است محل تلاقی فرهنگ‌های متفاوت غرب و شرق بشمار می‌رود. شاید این امر در بادی امر از ظواهر این کشورها مشخص باشد، معجونی از سنت ریشه‌دار در تاریخ و آداب و رسوم گذشته و مدرنیته غربی در همه این کشورها به چشم می‌خورد. اما آنچه در وهله اول به عنوان چالش بر سر راه گسترش مناسبات فرهنگی با این منطقه به چشم می‌خورد خوشبینی و عدم واقع‌بینی مسئولان جمهوری اسلامی و عدم وجود طرح و برنامه مناسب برای حضور و نفوذ فرهنگی گسترده، به‌رغم همه قریب‌های فرهنگی-تاریخی با این منطقه بوده است. در ابتدای استقلال این کشورها جمهوری اسلامی ایران با نگاهی ایدئولوژیک و البته خوشبینانه این کشورها را مستعد شکلگیری نظام‌های اسلامی به سبک و سیاق نظام خود میدانست که فعالیت‌هایی نیز در این راستا در آن سالها انجام گرفت که نتیجه ای معکوس داد و موجبات بدبینی سران و نخبگان این منطقه را موجب شد. در واقع عملکرد جمهوری اسلامی و درک این کشور از منطقه آسیای مرکزی با واقعیت‌های موجود و شرایط اجتماعی و اولویت این کشورها تناسبی نداشت. پس از این عامل بایستی به عدم همپوشی زبانی و مذهبی ایران و این کشورها اشاره کرد. اشتراکات فرهنگی ترکیه و نفوذ فرهنگی این کشور در این منطقه نیز عاملی مزید بر علت شده است تا آنچنان که باید و شاید، جمهوری اسلامی نتواند نقشی مؤثر در مناسبات فرهنگی این منطقه ایفا نماید. مفاخر فرهنگی و ادبی ایران بزرگ نیز عاملی واگرا در مناسبات فرهنگی دو طرف است که هر کدام از طرفین این مفاخر را متعلق به خود میدانند. (امیررضا حجتی و ایرج حجتی، ۱۳۹۵: ۷)

گفت‌وگوی فرهنگی، رویکرد شایع در قرقیزستان

در کشور قرقیزستان فرهنگ‌های متنوعی حضور دارند که روی فرهنگ عمومی



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت‌وگوی
فرهنگی

این کشور تاثیر گذاشته‌اند. در این کشور مراکزی نیز در زمینه گفت‌وگوی فرهنگی فعال می‌باشند که از میان آنها فعالیت «نماینده‌گی یونسکو» و «مرکز پیشگیری از بحران‌ها» چشمگیرتر بوده است. مرکز پیشگیری از بحران‌ها به عنوان سازمانی مردم‌نهاد در سال ۱۹۹۷ تأسیس شده و در وزارت دادگستری قرقیزستان نیز به ثبت رسمی رسیده است. این مرکز با مشارکت سازمان یونسکو بیش از ۱۰ همایش بین‌المللی و داخلی در موضوع گفت‌وگوی فرهنگی، دینی و تمدنی با حضور مقامات و محققان سرشناس کشورهای خارجی و به ریاست چنگیز آیت‌ماتوف، نویسنده مشهور قرقیزی و جهانی برگزار نموده است. این مرکز همچنین نشریه علمی «آسیای مرکزی و فرهنگ صلح» از سال ۱۹۹۸ الی ۲۰۱۰ با پرداختن به موضوع گفت‌وگوی فرهنگی در این مرکز و با حمایت سازمان یونسکو منتشر می‌کرد.

یکی از اولویت‌های سازمان یونسکو در قرقیزستان توسعه فرهنگ صلح و پیشگیری از بحران‌ها از طریق گفت‌وگوی فرهنگی است. اهداف این مرکز احترام به حقوق بشر، مدارا و رعایت اصول دموکراسی، توسعه گفت‌وگوی میان فرهنگی و تنوع فرهنگی، تضمین آزادی بیان و کلام، مبارزه با هرگونه تبعیض و منع خشونت، تجدید سازمانی زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی در راستای تحکیم صلح و توسعه پایدار، تلاش برای رفع بحران‌ها و اختلافات خشونت طلب، تشویق از گفت‌وگوی سازنده در شرایط تنش‌های اجتماعی و سیاسی است.

برای اجرای این اهداف در سال ۱۹۹۶ سازمان غیر دولتی مرکز بردباری و پیشگیری از بحران‌ها در آسیای مرکزی تأسیس گشت که به دنبال انجام مجموعه اقدامات در راستای توسعه بردباری، پیشگیری از بحران‌ها و توسعه تفکر فرهنگ صلح و گفت‌وگوی فرهنگی در منطقه بوده است.

این مرکز در سه حوزه ذیل در داخل و خارج از کشور به موفقیت‌هایی رسیده است:

آموزش (تدوین جزوات درسی، برنامه ریزی دوره‌های آموزشی دموکراسی، بردباری، مدیریت بحران‌ها، فرهنگ صلح و برگزاری کارگاه‌های آموزشی)

اطلاع رسانی و انتشار نشریه ترویج موضوع دموکراسی، بردباری و پیشگیری از بحران‌ها، انتشار نشریه «آسیای مرکزی و فرهنگ صلح»

پژوهشی (تحقیقات در زمینه بحران‌ها و اختلافات قومیتی و دینی در آسیای مرکزی، مدارا، فرهنگ صلح با توجه به ویژگی‌های منطقه)

این مرکز با هدف دعوت به مدارا، دموکراسی و پیشگیری از بحران‌ها منبع مهم برای دستیابی به ثبات در جامعه بوده و دوره‌های آموزشی برای دانشگاه‌ها تحت عنوان «مبانی بحران‌شناسی»، «مدیریت بحران‌ها»، «فرهنگ صلح و مدارا» طراحی کرده است که در تعدادی از دانشگاه‌های بیشکک مانند دانشگاه قرقیزی-روسی اسلاویانی، دانشگاه ملی قرقیزستان و... تدریس می‌شود. در سال ۱۹۹۹ کتاب‌های درسی «مبانی بحران‌شناسی» و در سال ۲۰۰۰ «مبانی سیاست‌شناسی امنیت» به زبان‌های روسی و قرقیزی منتشر شده است. کنفرانس‌ها و سمینارهای آموزشی با موضوع «فرهنگ صلح و بردباری» در سال ۱۹۹۸ با انتشار مجموعه مقالات این همایش برگزار شده بود.

این مرکز چند کارگاه آموزشی در موضوع بحران‌شناسی برای گروه‌های مختلف (اعضای سازمان‌های غیردولتی و خبرنگاران) برگزار کرده است. به عنوان مثال در ماه می ۲۰۰۱ سمیناری تحت عنوان مدیریت دموکراتیک در جامعه کثیرالملیتی قرقیزستان برگزار کرد. این سمینار به مباحث نظری و عملی مدیریت جوامع کثیرالملیتی و سیاستگذاری داخلی در این جوامع پرداخته است. نیز مسایل آموزش در شرایط فرهنگ‌های متنوع و متعدد در این سمینار مطرح و در نتیجه مجموعه مطالب تحلیلی منتشر شد.

این مرکز پروژه‌های سازمان یونسکو «گفت‌وگوی فرهنگی شرق و غرب در آسیای مرکزی» و «تقارب معنوی و گفت‌وگوی فرهنگی» را دنبال کرده و نیز همکاری نزدیک با کمیسیون ملی قرقیزستان در امور یونسکو داشته است. با مشارکت کمیسیون ملی یونسکو در برگزاری همایش‌های بین‌المللی فرهنگ و دین در آسیای مرکزی (۱۹۹۹)، صلح و وفای مدنی در قرقیزستان (۲۰۰۰)، گفت‌وگوی فرهنگی و دینی به عنوان بخشی از گفت‌وگوی تمدنی (۲۰۰۱) مشارکت داشته و نیز مجموعه‌های مقالات این همایش‌ها را منتشر نموده است.

برگزاری این همایش‌ها گام‌های مثبت در راستای برقراری گفت‌وگوی فرهنگی و تمدنی در آسیای مرکزی با میراث معنوی غنی و تاریخ کهن بشمار می‌رفته است. بحث‌های انجام شده در این دیدارها می‌تواند به عنوان الگوی فرهنگ گفت‌وگو قرار گیرد.

در اواسط ۱۹۹۰ ضرورت تبادل اطلاعات از طریق دانش‌های آکادمیک در میان محققان و اساتید آسیای مرکزی احساس می‌شد. مرکز مدارا و پیشگیری از بحران‌ها با درک این موضوع نشریه علمی-آموزشی «آسیای مرکزی و فرهنگ صلح» را منتشر نمود. در این نشریه تلاش‌های نخبگان و روشنفکران



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت‌وگوی
فرهنگی

بومی و خارجی در توسعه ایده فرهنگ صلح، بررسی منشا اختلافات و خشونت، ابعاد بردباری و پیشبرد ایده گفت‌وگو بین فرهنگ‌ها و ادیان بصورت مقاله منعکس کرده بود. محور اصلی این نشریه مسائل توسعه منطقه و مسائل معنویت، فرهنگ و تاریخ آسیای مرکزی بوده است.

هدف نشریه ترویج ایده‌های دموکراسی، فرهنگ صلح، بردباری، همگرایی، گفت‌وگوی بین ادیان، گفت‌وگوی شرق و غرب، بررسی عوامل خشونت و پیشگیری از اختلافات در منطقه آسیای مرکزی و قلمروهای پسا شوروی بوده است. موضوعات مهم اجتماعی - سیاسی توسعه منطقه آسیای مرکزی و نیز مسائل معنوی، فرهنگ، تاریخ، آموزش و محیط زیست همواره در کانون توجه این نشریه بوده است. با این حال این نشریه همیشه گرایش خاص داشته و مخاطب آن اقشار وسیعی روشنفکران بوده‌اند. ریاست هیات تحریریه بین المللی این نشریه را چنگیز آیت‌ماتوف نویسنده مشهور قرقیزستان، تا پیش از درگذشتش بر عهده داشت. محققان و نویسندگان برجسته بومی و خارجی با این نشریه همکاری داشتند. این نشریه به کتابخانه‌های مهم کشورهای شوروی سابق و نیز دفتر یونسکو در پاریس ارسال می‌شد از سال ۱۹۹۷ یازده شماره این نشریه منتشر شده است.

در سال ۲۰۰۸ این مرکز به نام «مرکز گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها» تغییر نام یافت. به دلیل کمبود بودجه انتشار نشریه آن متوقف شد. خانم تکتوسونوا مبتکر و مروج ایده گفت‌وگوی فرهنگی و دینی در قرقیزستان و رئیس اسبق نمایندگی یونسکو در قرقیزستان است. وی صاحب ۶۰ مقاله علمی و دو کتاب با عناوین «هویت ملی و فرهنگی و گفت‌وگو در شرایط جهانی شدن» و «جزیره‌های کوهستانی در راه ابریشم» است. او هم اکنون روی کتاب «تاریخ ادیان قرقیزها و قرقیزستان» کار می‌کند.

بنیاد بین المللی خیریه گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و جهان واحد در سال ۲۰۰۵ تاسیس شده است و تاکنون بیش از ۵۰۰ طرح در ۵۰ کشور جهان به اجرا رسانده است. اهداف این بنیاد:

- ایجاد فضاهای مناسب برای برقراری گفت‌وگوی زنده فرهنگی بین اقوام در محیط طبیعت
- حفظ و ترویج فرهنگ‌های سنتی و میراث فرهنگی ملت‌های جهان
- ایجاد صلح در جهان از طریق اجرای برنامه‌های تعامل و تحکیم دولتی بین اقوام

این بنیاد دفاتر نمایندگی در کشورهای روسیه، قرقیزستان، قزاقستان و چک

دارد و ریاست آن بر عهده ولادیمیر ماروسیچ است.

به غیر از مراکز دانشگاه‌های مختلف از جمله اسلاویانی و علوم انسانی و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد این کشور چندین همایش با موضوع گفت‌وگوی فرهنگی را در سال‌های مختلف برگزار کردند.

همایش علمی بین‌المللی «تقارب فرهنگ‌ها، بنیان صلح و توسعه» که از سوی موسسه بین‌المللی تقارب فرهنگ‌ها و با مشارکت دانشگاه بین‌المللی قرقیزستان و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۸-۷ آذرماه ۱۳۹۶ در بیشکک با حضور نهادهای دولتی، دانشمندان و فعالان مدنی قرقیزستان، ایران، چین، روسیه، قزاقستان، ازبکستان، ترکیه، هند، لیبی، تاجیکستان و همچنین اساتید و دانشجویان در آکادمی ملی علوم قرقیزستان برگزار شد و با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد.

در این همایش دو روزه نخبگان و دانشمندان، خواستار تلاش مشترک در راستای تحقق همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های علمی، فرهنگی و تشریک مساعی در مبارزه با هرگونه افراط‌گرایی و تروریسم به منظور حفظ میراث دینی، فرهنگی و تمدنی در برای رسیدن به صلح عادلانه شدند.

در این همایش، ضمن توجه به قرابت و اشتراکات ادیان توحیدی و اسلام که زیر بنای مبانی گفت‌وگو و تعامل است، بر گسترش گفتمان هم‌افزایی فرهنگی برای اجرایی شدن جهان علیه خشونت و افراط‌گرایی تاکید کردند و ضمن اعلام بر اینکه جمهوری اسلامی ایران نقش و سهم قابل توجهی در مبارزه با تروریسم دارد بر گفت‌وگوی فرهنگی با استفاده از تجربیات مثبت ایران در مباحث و حوزه‌های دینی، علمی و اجتماعی اتفاق نظر داشتند.

در این نشست اندیشه ورزی، مجموعه مقالات پس از ترجمه به زبان‌های روسی، فارسی و انگلیسی در قالب یک کتاب منتشر و به دیگر مراکز علمی و فرهنگی کشورهای دیگر ارسال شد. در نتیجه این همایش توافق شد مرکز تقارب فرهنگ‌ها در محل دانشگاه بین‌المللی قرقیزستان تاسیس و نیز نشریه گفت‌وگوهای فرهنگی ایران و آسیای مرکزی منتشر شود، اما بنابر دلایلی این توافقات تا کنون عملی نشده است.

نتیجه‌گیری

گفت‌وگوهای فرهنگی ایران و قرقیزستان، یکی از راهکار مناسب جهت شناخت ظرفیت‌های فرهنگی دو کشور و شکل‌گیری فضای لازم برای توسعه همکاری‌های فرهنگی دو جانبه محسوب می‌گردد. اهمیت این موضوع را می‌توان در سخنان «ماکان شیرمکول‌اف» رئیس سابق پارلمان قرقیزستان و سفیر سابق این کشور در جمهوری اسلامی ایران پی‌برد که اظهار داشت؛ در مرحله اول عدم شناخت و ارتباط اطلاعاتی مستقیم بین دو کشور مشکل جدی است که به این دلیل مردم تصور واقعی از یکدیگر ندارند. به گفته وی، اغلب قرقیزها از تأمین امنیت در ایران در سطح بالا و دستاوردهای این کشور در زمینه مبارزه با تروریسم اطلاعی ندارند و به دلیل وجود بی‌ثباتی در خاورمیانه تصور میکنند این بی‌ثباتی نیز در ایران جریان دارد.

امروزه ظرفیت‌های مناسبی در دو کشور جهت تعامل و گفت‌وگوی فرهنگی وجود دارد. در قرقیزستان همچون دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی ایران‌شناسانی وجود دارند که برخی از آنها صاحب آثار و تالیفات و ترجمه‌های گرانسنگ و خدمات شایان در معرفی فرهنگ و تاریخ و ادب ایران و زبان فارسی می‌باشند. در قرقیزستان مراکز فعال زبان فارسی فرصت مناسب دیگری جهت همکاری‌های فرهنگی فراهم آورده است. فعالیت‌های مناسبی نیز در حوزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی روس و قرقیز زبان برای ارائه تصویری درست از ایران امروز و دستاوردهای انقلاب اسلامی و معرفی مفاخر و مواریت فرهنگی ایران؛ شکل گرفته و تعاملات و همکاری‌های خوب و اثربخش با برخی رسانه‌های محلی به‌منظور انعکاس فعالیت‌های رایزنی فرهنگی و گزارش‌های فرهنگی، ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی قرقیزستان؛ وجود دارد. علاوه بر آن تلاش برای ایجاد تحول جدی در فعالیت‌ها از طریق عرضه کتب و آثار یکی از انتشاراتی‌های موفق ایرانی در حوزه روس زبان؛ برنامه‌ریزی برای توسعه گفتگوهای فرهنگی ایران و آسیای مرکزی در بیشکک و بالعکس و نیز فعالیت‌هایی در حوزه‌های دیگری همچون ترجمه و نشر؛ رصد و پایش و ... نیز از دیگر فرصت‌ها و ظرفیت‌های همکاری و توسعه روابط فرهنگی دو کشور بشمار می‌آید.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم‌انداز تعامل
و گفت‌وگوی
فرهنگی

منابع و ماخذ:

اژدری، لیلا؛ علی اکبر فرهنگی؛ سیدرضا صالحی امیری؛ محمد سلطانی فر (۱۳۹۶)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»؛ مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۳۸ - شماره پیاپی ۷۰، تابستان، ۱۰۲-۶۷.

اصغریان کاری، زینب (۱۳۸۹)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه»؛ پایان نامه، دانشگاه شهید بهشتی.

یاقری مقدم، غلامرضا (۱۳۹۴)؛ «آسیب شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی: مطالعه موردی قرقیزستان»؛ وزارت امور خارجه، ۱۴۶ ص.

بصیری، محمد علی و فهیم خوانساری فرد (۱۳۹۵)؛ «تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی»؛ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۵، تابستان، ۱۰۴-۷۹.

بیژن، عارف (۱۳۹۶)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۴۴.

تکتوسوناوا، آداس (۱۳۹۶)؛ «از برخورد تمدنها به سوی گفتگوی فرهنگها و تمدنها»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۴۵.

جعفری، علی اکبر و محمد براریان (۱۳۹۸)؛ «جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»؛ ماهنامه پژوهش ملل؛

حجتی، امیررضا و ایرج حجتی (۱۳۹۵)؛ «طرح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»؛ فصلنامه سیاست؛ سال سوم، شماره ۴۱-۵۲، بهار.

دهشیری، محمدرضا؛ مهدی طاهری (۱۳۹۵)؛ «دیپلماسی آموزشی جمهوری

اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز؛ دوره ۲۲، شماره ۹۴، تابستان، ۴۲-۱

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس»؛ فصلنامه سیاست؛ دوره ۴۰، شماره ۴، زمستان ۱۲۲-۱۰۳.

زرقانی، سیدهادی؛ ابراهیم احمدی و مرتضی فیروزی (۱۳۹۷)؛ «دیپلماسی فرهنگی حلقه گمشده روابط همگرایی ایران و آسیای مرکزی»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ موسسه فرهنگی - هنری انتشارات بین المللی الهدی؛ ۴۰۳-۴۳۵.

سیدان، مریم و عباس ملکی (۱۳۹۷)؛ «بازتاب فرهنگ مردم آسیای مرکزی در تعدادی از متون کهن فارسی و اهمیت آن‌ها در دیپلماسی فرهنگی»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ موسسه فرهنگی - هنری انتشارات بین المللی الهدی؛ ۵۱۷-۵۴۶.

شاهعلی یوا، نرگیس (۱۳۹۶)؛ «سهراب شاعری در راستای گفتگوی تمدنها»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۷۶.

شهرام نیا، امیرمسعود و نازنین نظیفی نائینی (۱۳۹۲)؛ «تاثیر جهانی شدن بردیپلماسی فرهنگی با تاکید بر نظریه صلح سازی»؛ راهبرد فرهنگ؛ شماره ۲۴، زمستان، ۱۶۲-۱۴۱.

کرمی، جهانگیر؛ علیرضا کریمیان (۱۳۹۷)؛ «ایران و آسیای مرکزی: روندهای منطقه‌ای و چشم‌انداز آینده»؛ فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی؛ دوره ۶، شماره ۳، پاییز؛ ۶۳-۴۱.

کریمی، علی (۱۳۹۶)؛ «حافظه تاریخی امکانی بنیانی برای گفتگوهای فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۸۸.



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در چشم انداز تعامل و گفت و گوی فرهنگی

کمالی زاده، محمد(۱۳۹۴)؛ «گفتگو، ابزاری برای وفاق اجتماعی»، فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین؛ سال چهارم - شماره دهم - بهار، ۱۳۵-۱۱۸.

صالحی، مختار(۱۳۹۶)؛ «مقاله دیپلماسی مجازی و سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۷۸.

عباس‌زاده مرزبالی، مجید(۱۳۹۶)؛ «جمهوری اسلامی ایران و ضرورت بهره‌گیری از مؤلفه‌های فرهنگی مشترک در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جهت مقابله با تهدیدات آمریکا»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۸۰.

مارک، سیمون(۲۰۰۹)؛ «نقش اثرگذار دیپلماسی فرهنگی»؛ مقالات کاربردی درباره دیپلماسی فرهنگی، موسسه روابط فرهنگی کلینگدال هلند؛ ۵۱-۱.

محمدی، منوچهر(۱۳۸۵)؛ «دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی کشور»، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۴، ۱۹۰-۱۳۹.

میرفخرایی، سید حسن؛ مجید فیروز مندیندپی (۱۳۹۵)؛ «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»؛ مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، ش. ۲، پاییز زمستان، ۴۴۸-۴۳۳.

وفایی، عباسعلی و سهیل رضایی مهر (۱۳۹۷) «تحلیل گفتمان معنا مبنایی آموزش زبان فارسی در گسترش دیپلماسی فرهنگی: حوزه تمدن مشترک(ت) ر کمستان، ازبکستان، گرجستان)»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ موسسه فرهنگی - هنری انتشارات بین المللی الهدی؛ ۲۷۸-۲۶۹.

یوسفی جویباری، محمد؛ نجات محمدی فر(۱۳۹۲)؛ «فرهنگ و تمدن ایرانی وجهانی شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»؛ مجله مطالعات جامعه‌شناسی؛ دوره ۴، شماره ۱۲، پاییز، ۳۸-۲۳.

_____ (۱۳۷۹)؛ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری های بالتیک، ۹۶-۹۷

Barnouw, Erik (1989); *International Encyclopedia of Communications*, Oxford, ford

Gudykunst, William (2002); *Handbook of International and Intercultural Communication*, Sage Publications

Gudykunst, William (2005); *Theorizing about Intercultural Communication*, Sage Publications

Longxi, Zh. (2009); *Openness and the Dialogue of Civilizations - a Chinese Example*, in Michális, S. M, and F. Petito. (eds); *Civilizational Dialogue and World Order*. Palgrave Macmillan

Lustig, M. W. and J. Koeßer. (1999); *Intercultural competence*. New York: Addison-Wesley Longman. Mitchell, J. M. (1986); *International cultural relations*. London: Allen and unwin Publishers

Philipsen, G. (1981); *The prospect for cultural communication*. Paper presented at the Seminar on Communication Theory from Eastern and Western Cultural Perspectives, Honolulu. (A revised version is published in D.L.Kincaid [Ed.], *Communication theory from Eastern and Western perspectives*. (New York: Academic Press, 1987

Smith, L.R. (1999); Intercultural network theory. *International Journal of Intercultural Relations*, 23, 629-658

Wendt, Alexander (1999). *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press

رواق الحجاج (۱۳۹۳)؛ آشنایی با کشورهای اسلامی، قابل دسترسی در:

[/countries-islamic/sects-and-countries-islamic/fa/com.hajjj.www//:http47-34-06-01-04-1393-1914/item](http://countries-islamic/sects-and-countries-islamic/fa/com.hajjj.www//:http47-34-06-01-04-1393-1914/item)

خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۵)؛ تعامل تهران - بیشکک در همه حوزه‌ها گسترش می‌یابد، قابل دسترسی در:

[95100301260/news/ir.isna.www//:https](https://news.ir.isna.www//:https95100301260/news/ir.isna.www//:https)

خبرگزاری مهر (۱۳۹۸)؛ فعالیت مراکز گفت‌وگویی فرهنگی در قرقیزستان؛ گفت‌وگوهای فرهنگی در قرقیزستان و نشریه‌ای با سردبیری آیت‌ماتوف، قابل دسترسی در:

<https://www.mehrnews.com/news/4685325> گفت‌وگوهای فرهنگی - در - قرقیزستان - و - نشریه - ای - با - سردبیری - آیت‌ماتوف



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی